

معمای
شماره ۲۵

قتل در
مدرسه

معمای
پلیسی



پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک
به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال
کنید. به ۳ نفر از افرادی که
پاسخ درست را ارسال کرده
باشند به قید قرعه کارت هدیه
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

پاسخ معمای شماره ۲۴

در معمای شماره ۲۴ از ماجرای زنی نوشتیم که بعد از نوشیدن موهیتو جانش را از دست داد و متهم که صاحبخانه بود اعتراف کرد که قصد داشته همسرش را از این زن را به قتل برساند اما فقط این زن جانش را از دست داده بود و پرسیدیم در حالی که هر دو زن موهیتو نوشیده بودند چرا فقط یکی از آنها جانش را از دست داده بود؟

متهم به قتل در اعترافش گفت: قبل از اینکه همسرم و دوستش به خانه بیایند مقداری سم در قالب یخ ریختم و در یخچال قرار دادم. بعد که آنها آمدند برای پذیرایی به آنها موهیتو دادم و برای خنک شدن، داخل لیوان‌هایشان از یخ مسموم استفاده کردم. همسرم که خیلی تشنه بود همان ابتدا و پیش از آنکه یخ‌ها در موهیتو آب شوند آن را سر کشید اما دوستش چند دقیقه بعد در حالی که یخ‌ها آب شده بودند آن نوشیدنی را خورد و همین موضوع باعث شد که جانش را از دست بدهد.

جای پایین آمدم فهمیدم که آقای ناظم به قتل رسیده است. مدیر مدرسه نیز گفت: از اتفاقی که افتاده شوکه شده‌ام و نمی‌دانم چه کسی ناظم را به قتل رسانده است. من امروز به شکل آنلاین جلسه داشتم و چند ساعت در اتاقم بودم اما بعد که سر و صدای شنیدم و بیرون آمدم متوجه شدم که این حادثه رخ داده است.

معلم ورزش هم طی صحبت‌هایی مشابه از اتفاق تلخی که افتاده بود اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت من تمام وقت بسا بچه‌ها در حال ورزش کردن بودم و نمی‌دانم که ناظم چطور به قتل رسیده است.

چهارمین نفری که تحت بازجویی قرار گرفت معلم فیزیک مدرسه بود. او هم گفت که از قتل اطلاعی ندارد و در حال گرفتن امتحان از دانش‌آموزان بوده است.

نفر بعد معلم ریاضی بود. او هم گفت که مدام در کلاس در حال درس دادن بوده و معلم شیمی هم همین حرف‌ها را تکرار کرد.

بعد از پایان بازجویی از کارکنان مدرسه بود که افسران پلیس اطلاعات به‌دست آمده را جمع‌بندی کردند و در نهایت موفق شدند عامل این جنایت را شناسایی کنند. متهم به قتل که در بین همین افراد بود در اعترافش گفت از سال قبل با ناظم دچار اختلاف و کشمکش بوده و هنگام وقوع حادثه در آبدارخانه با ناظم درگیر شده و این قتل رخ داده است. به نظر شما قاتل چه کسی است و پلیس چطور توانست او را شناسایی کند؟

مدتی قبل، درست در نخستین روزهای بازگشایی مدارس به پلیس خبر رسید که در یکی از مدرسه‌های جنوب شهر جنایت هولناکی اتفاق افتاده و در جریان آن ناظم مدرسه به قتل رسیده است. زمانی که مأموران پلیس به محل وقوع جنایت رسیدند ساعتی از وقوع قتل گذشته بود. متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند که مقتول بر اثر اصابت یک ضربه چاقو جانش را از دست داده است. در شرایطی که اقدامات فنی روی جسد ادامه داشت، کارآگاهان به تحقیقات میدانی از جمله تحقیق از افرادی که هنگام وقوع قتل در مدرسه حضور داشتند، پرداختند. آنها ابتدا به بررسی دوربین‌هایی که در ورودی مدرسه نصب شده بود پرداختند و امیدوار بودند در این تصاویر بتوانند قاتل را شناسایی کنند اما فیلم‌های ضبط شده صحنه ورود کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان را نشان می‌داد و به‌جز آنها هیچ فرد غریبه‌ای وارد مدرسه نشده بود. این موضوع نشان می‌داد که عامل جنایت به احتمال زیاد یکی از کارکنان مدرسه است. در این شرایط بود که افسران پلیس فهرستی از کارکنان مدرسه را که هنگام وقوع قتل در آنجا حضور داشتند تهیه کردند. در این فهرست نام خدمتگزار مدرسه، مدیر، معلم ورزش، معلم فیزیک، معلم شیمی و معلم ریاضی به چشم می‌خورد. به این ترتیب مأموران از خروج این افراد جلوگیری و یک به یک از آنها تحقیق کردند.

خدمتگزار مدرسه به مأموران گفت: من از صبح در حال نظافت کلاس‌های خالی در طبقه دوم بودم و متوجه هیچ چیز نشدم تا اینکه وقتی برای خوردن

خفاش شب در «شب‌های تهران»

تهدیدآمیزی را به دنبال دارد و متعاقب این اقدامات، مینا به قتل می‌رسد. فیلم در برخی لحظات و مقاطع در صدد آسیب‌شناسی علل و عوامل وقوع جرم و بزهکاری است و در بخش دیگر یعنی طراحی قصه و ایجاد تعلیق برای یافتن قاتل مثبت عمل می‌کند و در نهایت با انتخاب فردی که کمتر تماشاگری به آن اندیشیده، قاتلی متفاوت از فیلم‌هایی از این دست را ترسیم و معرفی می‌کند.

«شب‌های تهران» سندی است از تهران دهه ۷۰ و شب‌هایش، از ده‌ها و صدها قتل و جنایتی که در سکوت و بی‌خبری شهروندان اتفاق می‌افتاد و پیامد آن بروز خشونت و رفتارهای نامتعارف بود.

در این فیلم جنایی شقایق فراهانی، میترا حجار، یوسف مرادیان، فرهاد آئیش، حسین سحرخیز، زهره حمیدی، مریم امیرجلالی، مهوش وقاری و... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

اواخر دهه ۷۰، یعنی زمانی که هنوز پرونده خفاش شب داغ بود و همه درباره جنایت‌های غلامرضا خوشرو صحبت می‌کردند، فیلمی براساس قتل‌های سریالی او ساخته شد. این قاتل سریالی از سال ۷۱ تا سال ۷۶، زن را به قتل رسانده و ترس و وحشت عجیبی در دل پایتخت‌نشینان انداخته بود. این فیلم که داریوش فرهنگ آن را کارگردانی کرده درباره دختر به نام‌های شیرین قوامی و مینا ایرانی است که دانشجوی هستند و برای پایان‌نامه تحصیلی خود درباره آسیب‌های اجتماعی در تهران بزرگ، گزارشی مصور و جستار آمیز تهیه کرده‌اند.

در همین زمان، ناشناسی، دختران چشم‌آبی را شکار می‌کند و به قتل می‌رساند. شیرین و مینا اطرافیان‌شان از جمله آقا رحمت، آبدارچی اداره و پسری به نام فرهاد، روی موضوع متمرکز می‌شوند. این حساسیت پیام‌های

معرفی
فیلم

زن پشت پنجره

علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «زن پشت پنجره» نوشته «ای جی فین» با ترجمه علی‌اکبر قاری‌نیت، اثری با دستمایه آثار جنایی محسوب می‌شود که از سوی انتشارات نسل نوآندیش منتشر شده است.



معرفی
کتاب

شخصیت محوری این رمان، زنی به نام «آنا فاکس» است که تنها زندگی می‌کند. او روزش را با خوردن و آشامیدن، تماشای فیلم‌های قدیمی، به‌خاطر آوردن خاطرات شیرین و البته جاسوسی کردن از همسایه‌هایش سپری می‌کند. پس از مدتی، خانواده «اسل» به خانه‌ای نزدیک محل زندگی او نقل مکان می‌کنند؛ یک پدر، یک مادر و پسری نوجوان که خانواده‌ای معمولی را تشکیل می‌دهند. اما وقتی «آنا» یک شب هنگام نگاه کردن به بیرون از پنجره خانه‌اش، چیزی را می‌بیند که نباید می‌دید، جهان او واژگون و اسرار شوکه‌کننده‌اش، برملا می‌شود. چه چیزی واقعی است؟ چه چیزی فقط یک تصور است؟ چه کسی در خطر است و چه کسی کنترل اوضاع را در دست دارد؟...

در این تریلر پرکشش، هیچ چیز و هیچ کس، آنطور که به نظر می‌رسد نیست. این کتاب که نامزد دریافت جایزه بهترین کتاب معمایی گودریدز هم بوده است، داستان غافلگیرکننده‌ای محسوب می‌شود که با زاویه دید سیال، ذهن خواننده را به ذهن پریشان شخصیت محوری داستان می‌برد و در جریان ترس‌ها، وهم‌ها و افکار او قرار می‌دهد. در این رمان، زندگی آنا تیره و تار است. واقعیت‌های زمان حال با



ماجرای گذشته زندگی او در هم می‌آمیزد و کابوس‌های زندگی‌اش را دوچندان می‌کند. اگر چه ماه‌ها از یک تصادف شوم و دلخراش در زندگی او می‌گذرد، ولی مرگ همسر و فرزند جریان زندگی آنا را همچنان متوقف کرده است و او حالانته در واقعیت، بلکه در خاطرات زندگی می‌کند و سعی دارد روزها را به هر نحوی که شده به پایان برساند. شب‌ها پشت پنجره می‌نشیند و به فضای تاریک بیرون نگاه می‌کند. شب حادثه، یک اتفاق همه‌چیز را تغییر می‌دهد. جلوی چشم‌های آنا کسی به قتل می‌رسد و ماجراهای زندگی آنا وارد مرحله تازه‌ای می‌شود.

